

روابط ادبیات معاصر تاجیک با دیگر کشورهای پارسی زبان

کمال ص. عینی (تاجیکستان)

توجه:

برای کتبا شدن خوانندگان با سبک فارسی تاجیک این مقاله بدون ویرایش به چاپ رسیده است.



ادیب و دانشمند شهیر ایران، زنده یاد دکتر پرویز ناتل خانلری نوشته بود: «کتابهایی که از ادبیات تاجیکستان به خط نو پذیرفته لا تین تازه به ایران رسیده، در خور توجه بسیار است... مطالعه این کتب برای کسانی که به زبان و ادبیات فارسی دلبستگی دارند، از چند جهت سودمند است: نخست آنکه زبان فارسی - تاجیکی از لهجه های فصیح فارسی است، که با زبان فارسی ادبی بیش از لهجه های دیگر قرابت دارد و بسیاری از لغات فصیح و شیرین فارسی را که نزد ما فراموش شده، در این کتب می توان یافت و از این راه به تهذیب و توسعه زبان فارسی کمک می توان کرد»^۱

از گفته های استاد خانلری پیداست که موضوع روابط ادبیات معاصر تاجیک با دیگر کشورهای پارسی زبان بسیار وسیع است، جهات و پهلوها و نکته باریک و ظریف مورد تحقیق و بررسی مفصلی را داراست. روشن است، که در یک سخنرانی بیان هر جانبه آن امکان ناپذیر است. بدین دلیل ما امروز مقاله خویشرا «استقبال ایران از ادبیات نوین تاجیکستان» عنوان کرده ایم. و چون از ادیبان، شعرا و



شوروی تاجیک، سفر «آدینه» او بود. «آدینه» گشت و گذار خود را آغاز کرد، ابتدا سیری در آسیای میانه نمود و تا به بلند کوه‌های تاجیک رسید و به پامیر گام نهاد. سپس برای دیدن اتحاد شوروی راهی مسکوشد و بدین طریق در دسترس خوانندگان روس و اوکرائین و ملل دیگر اتحاد شوروی قرار گرفت و بعدها به ممالک خارجی اروپا قدم نهاد. اما بزودی، «آدینه» به کشورهای هم‌جوار— ایران، افغانستان و پاکستان نیز سفر کرد.

در کشورهای اخیر «آدینه» با مردم مظلوم و ستم‌دیده‌ای روبرو شد، دوستان فراوانی پیدا کرد که او را با حسن تفاهم و محبت خاصی استقبال کردند.

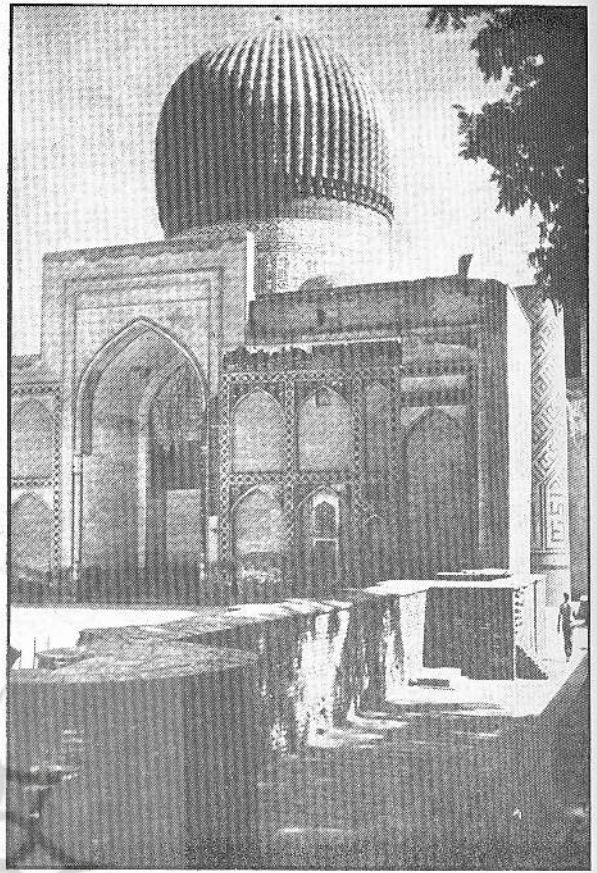
زیرا سرنوشت «آدینه» یادآور هزاران سرنوشت این مردم بود. بدین طریق «آدینه» در این کشورها در دسترس هم‌زبانان خود قرار گرفت و چون فرزند برومند و شایسته جمهوری نوین تاجیکستان، چون فرزند کشور باستانی رود کی ندای آفریدگار خود را به گوش تشنه لبان پیام نورسائید. صدای «آدینه» در ایران بگوش بانوان ایرانی نیز رسید و با نوشکوفه خاوران احساس و تأثرات خویش را در نامه‌ای بیان نموده به تاجیکستان فرستاد.

دوم مارس ۱۹۲۵ میلادی در روزنامه «آواز تاجیک» نامه صدرالدین عینی با عنوان «به عاشقان ادبیات تاجیک» انتشار یافت، که با این نامه تهیه و تدوین نخستین «نمونه ادبیات تاجیک» آغاز شد.

این اثر بزودی شهرت یافت. استاد ابوالقاسم لاهوتی یکی از پایه‌گذاران نظم نوین تاجیک در مقدمه‌ای بر این اثر خدمات صدرالدین عینی را ستود. اما این اثر صدرالدین عینی مورد هجوم نا جوانمردانه برخی قرار گرفت. خوشبختانه بسیاری از خاورشناسان شوروی و اهل ادب از این اثر در قبال آن هجوم‌های نا جوانمردانه دفاع کردند.

«نمونه ادبیات تاجیک» بزودی مورد توجه اهل علم و ادب ممالک خارجی نیز قرار گرفت. یکی از آنها ادیب و دانشمند ایرانی— استاد سعید نفیسی بود، که نخستین تقریظ در دفاع از این کتاب به قلم وی نگاشته شد و در روزنامه «شفق سرخ» سوم مارس ۱۹۲۸ میلادی درج گردید. در آن زمان استاد ابوالقاسم لاهوتی طی نامه‌ای در چهارم دسامبر ۱۹۲۸ به صدرالدین عینی نوشته بود:

نمایندگان ایران، مخبران روزنامه‌ها و وکلای مجلس که



سمرقند - مقبره گور امیر - سال ۱۴۰۴ میلادی

نویسندگان نوین تاجیک — استاد صدرالدین سعید مرادزاده عینی (۱۸۷۸ — ۱۹۵۴) بعنوان سر دفتر و نخستین شخص در این دوره ادبیات تاجیک پذیرفته شده است و امکان است که در چهره ادبی وی و آثار ایشان برخی نکات مربوط به موضوع مورد بحث را بیان کنیم، امروز سعی می‌کنیم در این چارچوب، چند نکته را توضیح دهیم.

صدرالدین عینی هیچ‌گاه به هیچ کشور خارجی از جمله به کشورهای پارسی زبان سفر نکرده بود. او به مملکت شوروی هم سفر زیادی نکرده است. زیرا وی که هزاران جام تلخ روزگار را چشیده و تجربه کافی زندگی داشت و صحیفه‌های سرنوشت تلخ و شیرین مردم را در لوحه خاطرش چون وام‌نگه می‌داشت، از همه چیز بیشتر وقت را عزیز می‌دانست. چرا که بازتاب آن همه وقایع دهشتناک زندگی مردم را بر روی کتاب و تاریخ روزگاران، آرزو و آرمان یگانه حیات خود می‌دانست. اما وی هنوز در زمان امارت بخارا و خصوصاً پس از انقلاب اکتبر از طریق آثارش به ممالک خارجه سفر کرد. این سفر، سفر «تحصیب الصبیان» و نخستین داستان در دوران

آمده بودند، بی اندازه از نشر «نمونه ادبیات تاجیک خرسند بودند...»

اثرهای صدرالدین عینی یکی بعد از دیگری به ممالک خارجی هم جوار به وسایل گوناگون راه یافتند. استاد سعید نفیسی به آثار صدرالدین عینی توجه فراوانی داشت. این توجه در زمینه تحقیقات رودکی شناسی این دو ادیب بعمل آمد.

سعید نفیسی چنین نوشته است: «در همان زمانها دست به تألیف کتاب خود درباره رودکی زدم و از دوستانی که در اتفاق جماهیر شوروی سوسیالیستی دارم خواستار شدم آنچه در این زمینه آماده شده است برای من فرستادند. کتاب کوچکی درباره رودکی را که صدرالدین عینی به خط لاتین چاپ کرده بود برای من فرستادند. مطالب تازه‌ای را که در آن کتاب یافتیم، در کتابی که درباره رودکی نوشتم، آوردم. از آن روز پیوند روحانی من با صدرالدین عینی که هنوز به دیدارش کامیاب نشده بودم، بیش از پیش برقرار شد. تدریجاً کتابهای دیگر او درباره این سینا و سعدی به دستم افتاد و دیگر آشنایان دیرین من شده بود. چه بسا از مردان بزرگ که نادیده و ناشناخته به ما چنان انس معنوی می‌گیرند که گویا سالها با ایشان نشست و برخاست داشته‌ایم.

آشنائی حضوری سعید نفیسی با صدرالدین عینی بعدها به عمل آمد. جمهوری ازبکستان بیستمین سالگرد بنیاد دولت خود را جشن می‌گرفت و در این جشن چند تن از ادیبان کشورهای خارجی همجوار نیز دعوت شده بودند، که از آن زمره می‌توان از استاد نفیسی نام برد. سال ۱۹۴۸ تمامی اتحاد شوروی پانصدمین سالگرد امیر علیشیر نوائی را جشن گرفت.

صدرالدین عینی که مشاور علمی کمیته برگزاری جشن مذکور بود، تحقیقات مفصل خویش درباره علیشیر نوائی را انتشار داد و خمسه نوائی را بطور اختصار با شرح و خلاصه‌ها به طبع رسانید. در این جشن از ادیبان ایرانی، استاد سعید نفیسی، علی اصغر حکمت و بزرگ علوی شرکت و با صدرالدین عینی ملاقات داشتند. سعید نفیسی نوشته است: «هنگام مسافرتم در اتحاد شوروی، تمام مجموعه آثار او را بدست آوردم و اغلب در ساعت فراغت با حضف فراوان مشغول خواندن و مطالعه آن می‌شدم. در کنگره خاورشناسان در مسکو که خبر درگذشت

(صدرالدین عینی) این انسان بزرگ بگوشم رسید، که به دعوت فرهنگستان علوم تاجیکستان به شهر دوشنبه وارد شدم، اولین آرزویم این بود، که از مقبره استاد بازدید کنم و در مقابل آن زانو بزنم... و آثار انسانی که تمام زندگی اش را وقف خدمت به خلق نمود و با این کار روشنائی‌های فروزان در پهنه‌های زندگی فرهنگی برافروخت، همیشه با ماست. آثار او جنبه ابدی کسب کردند.»

دانشمند و ادیب دیگر ایرانی — علی اصغر حکمت سال ۱۹۴۸ در جشن پانصدمین سالگرد علیشیر نوائی با صدرالدین عینی آشنا شد. وی پس از بازگشت به وطن خویش تهران، در انجمن روابط فرهنگی ایران و شوروی در موضوع جشن پانصد سالگی علیشیر نوائی سخنرانی کرد و آن را به صورت مقاله در مجله انجمن «پیام نو» انتشار داد.

علی اصغر حکمت در زمینه ضرب‌المثل تاجیکی، در وصف صدرالدین عینی منظومه‌ای ساخت و برای او از تهران به سمرقند فرستاد. اینک چند بیت از آن منظومه‌ای که مرکب از سی و دو سطر بود:

همسایه ز همسایه بسی پند بگیرد
انگورز انگور همی پند بگیرد
آری مثل است این به بر مردم تاجیک
از هر مثلی اهل ادب پند بگیرد
و در آخر می‌گوید:

این قطعه نیازی است به شیرین سخنی کو
صد تنگ شکر از لب چون قند بگیرد
صدر ادب و عین هنر عینی دانا
کش دهر نیارد که همانند بگیرد
خرسند شود خاطر غمگین اگر استاد
از این سخنان خاطر خرسند بگیرد

خندان شود و شاد شود حکمت محزون
از دوست اگر یک دوسه لبخند بگیرد
صدرالدین عینی به نوبه خود قطعه جوابیه زیرین را سرود و برای ادیب و دانشمند ایرانی علی اصغر حکمت فرستاد که جمعاً در سی و هشت مصرع بود که خلاصه آن چنین است.

این تحفه ناچیز نثاری است به آن دوست
کز کشور علم و هنر او رنگ بگیرد
صنعت گرمعنی است که از کارگه او
بهباد به کار خود بی‌رنگ بگیرد

در مورد صدرالدین عینی — شاعر و نویسنده تاجیکستان شوروی سخنرانی کرد.

زنده یاد حبیب یغمائی در این سخنرانی اظهار داشت: «چند کتاب از تاجیکستان فرستاده اند برای کتابخانه (خور)». از جمله کتابهایی است از یادداشتهای مرحوم صدرالدین عینی در چهار جلد. در این کتاب بسیار شیرین و لطیف از هر در سخن رفته که همه اش خواندنی است و شخص را در زوایای بخارای یک قرن پیش گردش می‌دهد و اگر از عهده برآیم که بعضی از آن موضوع‌ها را فهرست وار بشمارم خشنود می‌شوم.»

از نوشته‌های دیگر مؤلفان ایرانی درباره صدرالدین عینی می‌خواهم مقاله دکتر حسین لسان را قید کنم که با نام «فارسی دری در آن سوی مرزها» در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران به طبع رسید.

مقاله مذکور که با مصرع مشهور استاد رودکی: «ای بخارا شاد باش و شادزی» شروع می‌شود: نگاهی است به وضعیت و سابقه تقدیر زبان و ادب پارسی رواج و اهمیت آن در ممالک پارسی زبان جهان و نویسندگان مسلم آن، او می‌نویسد:

«این «یادداشتها» را خواندم، همانطور که کودک هنگامه جوئی به جستجوی خانواده و همشهریان و آشنایان خود می‌رود سراغ عموها و خویشانش را می‌گیرد و بهر چه از آنها برایش بگویند گوش می‌دهد. من هم با خواندن این «یادداشت‌ها» چنین حال و احساسی داشتم؛ قصه گوی پیر، محنت روزگار دیده، سرد و گرم چشیده و دوست داشتنی از گذشته‌های خیلی دور و دراز با زبان دل برایم قصه می‌گفت، قصه‌های سخت آشنا که هر کلمه اش بر جان و دل می‌نشست و نشانه‌هایی پر از آشنائی و پیوند داشت...»

حسین لسان چنین نتیجه می‌گیرد که زبان نثر امروزه تاجیک به نثر کلاسیک نزدیک است و با زبان نثر امروزه ایران تفاوتها دارد. و اما به عقیده این محقق زبان شعر ما با زبان نظم ایران کاملاً یکی است.

چون سخن از اثر «یادداشت‌های» عینی می‌رود باید گفت که این نخستین اثری است در چهار جلد از ادبیات نوین تاجیک که به ضمیمه تألیف دیگر این مؤلف مسمی برترجمه حال خودم، در تهران بعد از انقلاب اسلامی ایران انتشار یافته است.

نهایت باید متذکر شد که کتاب مذکور با ضمیمه اش و مقاله مفصل دوست ادیب و دانشمند آقای سعیدی سیرجانی از

زبان نثر امروزه تاجیک به
نثر کلاسیک نزدیک است
و با زبان نثر امروزه ایران
تفاوتها دارد، اما زبان شعر
با زبان نظم ایران کاملاً
یکی است.

دانشور بی مثل علی اصغر حکمت
حکمت سزد از دانش اورنگ بگیرد
اصغر بودش نام ولی معنی اکبر
در خویش چو آغوش خرد تنگ بگیرد
الماس اگر چند بود خرد به ظاهر
آب رخ یا قوت گران سنگ بگیرد
عینی شرفی یابد اگر از سر الطاف
جو سنگ وی آن دوست نه با سنگ بگیرد
زمانی که رمان «داخونده» و داستان «مرگ سودخور»
«مکتب کهنه» و «یادداشتهای» صدرالدین عینی در چهار
جلد بدست ادیبان ایران زمین رسید، اهل علم و ادب به این
آثار و مؤلف آنها توجه خاصی معطوف داشتند.

اکنون جهات گوناگون آثار عینی در کنگره‌های ملی آن کشور مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. مثلاً ۱۹۷۳ —
(۱۳۵۱ هجری شمسی) در سومین کنگره تحقیقات ایرانی،
یکی از ادیبان معروف ایران، صاحب امتیاز مجله وزین یغما

در سالهای اخیر در موضوع ادبیات نوین تاجیک در فصل نامه و مجلات ادبی ایران مقالات چندی دیده می شود که پدیده ای است نیک. یکی از آن مقالات نوشته عبدالهادی حائری تحت عنوان «مفهوم نوین آزادیهای سیاسی و اجتماعی در نوشته های پارسی آسیای میانه که در سال ۱۹۹۰ (۱۳۶۸) در فصل نامه مطالعات تاریخی درج شده است.

در این مقاله مطالبی بیان شده است که در مملکت شوروی تا زمان بازسازی از آن موضوع سخنی گفته نمی شد. و اکثر اوقات دستورهای رسمی حزبی پذیرفته می شد. متأسفانه اکنون دقت کافی برای توضیح همه این مطالب نیست و بحث درباره این مسئله را موکول به وقت و فرصت دیگر می کنیم. مقاله دیگری که باید ذکر شود نوشته یت هیچینس در ترجمه به قلم ص. شهبازی تحت عنوان «ادبیات نوین تاجیک» که در دو شماره مجله «ادبستان» چاپ شده است (سال ۱۹۹۰). در این مقاله در باب آثار هم ص. عینی و پیرو سلیمانی و لاهوتی و محمد جوهری و هم محمدجان رحیمی و میرزا تورسون زاده و عبدالسلام دهاتی و حبیب یوسفی و هم میرسعید میرشکر و ساتم اولوغزاده و جلال اکرامی و رحیم جلیل فاتح نیازی، فضل الدین محمدی یوف و غفار میرزا خلاصه های فشرده آورده شده است. البته این هم باید اشاره شود، که مؤلف مذکور بیشتر روی مطالب سیاسی و اجتماعی و وضع آسیای میانه قبل از انقلاب اوکتربر و در زمان شوروی توقف نموده است.

خلاصه اینکه به گمان ما با پذیرفتن قانون درباره اعلام زبان فارسی - تاجیکی بعنوان زبان دولتی تاجیکستان امید است که روابط فرهنگی و شناخت خلقهای ایران و تاجیکستان عمیقاً توسعه یابد و مانع الفبای جاری در کتب امروزی تاجیکستان از میان برداشته شود و راه برای بررسی عمیق و نشر آثار پارسی زبانان ماوراء النهر نه تنها در دوران نوین، بلکه از قرن جامی به بعد، هموار گردد.

البته تاریخ روابط فرهنگی و همکاریهای علمی با مراکز گوناگون فرهنگی ایران دارای سوابق دیرینه ای است که ثمرات شایسته ای بیار آورده است. اما بحث در این مورد، بحث ویژه ای است که به نشست ویژه ای نیاز دارد ●

سال ۱۹۸۳ به بعد با کوشش ایشان دوباره به طبع رسید و از سوی اهل علم و ادب و خوانندگان ایرانی به نیکی استقبال گردید.

کافی است متذکر شویم که در استقبال و پذیرش «یادداشت های» عینی مقاله دانشمندانه و دقیق ادیب محترم آقای دکتر شفیع کدکنی اعلام شد که سخنش بین اهل فضل همواره مسلم است. بیهوده نیست که مقاله وی با عنوان «حافظ و بیدل در محیط ادبی ماوراء النهر در قرن ۱۹» سه بار تجدید چاپ شده است.

مقاله آقای استاد سعیدی سیرجانی «چند نکته بعنوان مقدمه» شایسته بررسی جداگانه ای است. زیرا در آن مشاهدات و نکته های جالب دقت و قابل ملاحظه نویسنده بیان شده است. فقط در باب گله ایشان که چرا استاد صدرالدین عینی یادداشت هایش را ادامه نداد و تا زمان استالین نرسانید باید بگوئیم که واقعاً صد حیف که کتاب عینی به پایان نرسید و دوران انقلاب اکتبر تصور نشد، تقسیم بندی مرزها و بنیاد جمهوری ها در ماوراء النهر بیان نگردید، مشکلات و دشواریها، بی انصافی ها بی عدالتی ها و نبردهای فرزندان برومند تاجیک برای بیداری و احیای فرهنگ ملت آشکارا در کتاب یادداشتهای صدرالدین عینی گفته نشد، فقط به یک دلیل «زیرا مؤلف در سال ۱۹۵۴ زندگی را بدرود گفت و به اصطلاح سر دل ناگفته ماند».

عینی سالهای قبل در زمان امارت بخارا که به جهت مبارزه او برای فرهنگ ملی و بیداری خلق با فرمان امیر عالم خان با شکنجه و ۷۵ ضربه شلاق جزا دیده بود، و در حالت نزدیک جدائی از حیات گفته بود:

ترسم که من بمیرم و غم بی پدر شود
و آن طفل نازپرور من در بدر شود.

در این جا باید بطور کلی گفته شود که جز کتاب چهارجلده «یادداشتهای» عینی، هیچ اثر کاملی از شعرا و نویسندگان قرن بیست تاجیک تاکنون در ایران به طبع نرسیده است. ولی مهم این است که گفته شود نمونه سروده های سخنوران ما بمانند میرزا تورسون زاده، عبدالسلام دهاتی، میرسعید میرشکر، حبیب یوسفی، امین جان شکوهی، مؤمن قناعت، لایق شیرعلی، قطبی کرام، بازار صابر، گل رخسار، عسکر حکیم، عبیدوجب و چند دیگر در مجلات سخن، یغما، سیمرغ، ادبستان و غیره انتشار یافته و به نظر خوانندگان ایرانی رسیده است.

۱ - مجله «سخن»، سال یک شماره ۲ ص ۹۷

۲ - «صدرالدین عینی در خاطرات دوستان و شاگردان»